

تعیین حد آستانه و بررسی اثر نامتقارن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر در کشورهای عضو همکاری شانگهای

سیده مرضیه حسینی^۱منیره رفعت^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

چکیده

استراتژی رشد فراگیر، مفهومی نو در حوزه رشد و توسعه اقتصادی است که توسط سیاستگذاران به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. از طرفی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ایجاد دانش، بهره‌وری و سرریزهای فناوری‌ای که دارد، یکی از مؤثرترین ابزارها برای ارتقاء توسعه اقتصادی است. هدف از پژوهش حاضر، تحلیل اثر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر در کشورهای عضو همکاری شانگهای در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۲۲ است. بدین منظور پس از محاسبه شاخص رشد پایدار، به معرفی الگو و تخمین مدل پانل آستانه‌ای، به تحلیل اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد فراگیر پرداخته می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد، شاخص ضریب جینی که به عنوان متغیر تحت آستانه‌ای است، در بالاتر و پایین‌تر از حد آستانه متغیر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تأثیر متفاوتی بر شاخص رشد فراگیر دارد. هنگامی که جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کمتر از حد آستانه باشد، با افزایش ضریب جینی، شاخص رشد فراگیر کاهش می‌یابد که این نتیجه، مطابق با دیدگاه طرفداران نظریه وابستگی است و هنگامی که جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بالاتر از حد آستانه باشد، با افزایش در ضریب جینی، شاخص رشد فراگیر افزایش می‌یابد که این نتیجه، مطابق با نظریه طرفداران نوسازی است.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد فراگیر، ضریب جینی، سازمان شانگهای

طبقه‌بندی JEL: O43, D31, F23, F36, D63

۱. کارشناس ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

marziehhosseini@ase.ui.ac.ir

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

m.rafat@ase.ui.ac.ir

۱. مقدمه

رشد فراگیر یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های مطرح در حوزه رشد و توسعه پایدار است. هنگام بررسی رشد فراگیر به‌طور همزمان، رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد مورد توجه قرار می‌گیرد. در رشد فراگیر تلاش می‌شود که تمام عوامل مؤثر در رفاه اجتماعی نظیر فقر، توزیع درآمد، اشتغال، برابری یا نابرابری جنسیتی و رشد کمی اقتصادی را در یکدیگر ادغام گردد. بنابراین، رشد فراگیر رشدی است که پایدار باشد، فرصت‌های اشتغال مولد ایجاد نماید، نابرابری و فقر درآمدی را کاهش دهد و در سطح بالاتر، امکانات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی مناسبی را در اختیار شهروندان جامعه قرار دهد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، به‌عنوان ابزاری برای ترویج توسعه و رشد اقتصادی توسط کشورها، در نظر گرفته شده است. هرچند اغلب مطالعات صورت گرفته درخصوص آثار خارجی مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دال بر تأثیرگذاری مستقیم و مثبت FDI بر رشد اقتصادی کشورها است، اما درخصوص آثار این متغیر مهم و اساسی در اقتصاد کلان بر توزیع درآمد، هنوز ابهاماتی وجود دارد. دو دیدگاه غالب در این خصوص وجود دارد. طرفداران دیدگاه نوسازی بر این باورند که در مراحل نخست رشد و توسعه اقتصادی، ابتدا جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وضعیت توزیع عادلانه درآمد را بدتر می‌کند، اما در مراحل بعدی فرایند رشد، با بالارفتن جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بهره‌مندی از سرریزهای آن در اقتصاد، می‌توان انتظار داشت که نابرابری درآمدی کاهش یابد. مطابق با نظریه نوسازی، جذب سرمایه‌گذاری منجر به رشد و توزیع عادلانه‌تر درآمد خواهد شد (بنداری، ۲۰۰۴).

نظریه وابستگی، دیدگاه مخالف نظریه نوسازی است. نظریه‌پردازان این مکتب، توسعه‌نیافتگی و فقر را معلول وابستگی کشورهای در حال توسعه به کشورهای سرمایه‌دار به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی می‌دانند. کشورهای در حال توسعه تحت استثمار کشورهای پیشرفته سرمایه‌دار قرار می‌گیرند و مجبور هستند هرگونه توافقی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی را مطابق خواسته‌ها و مناسبات شرکت‌های پیشرفته صنعتی مورد پذیرش قرار دهند و این مسئله، شکاف درآمدی بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را افزایش می‌دهد. از طرفی، طرفداران دیدگاه وابستگی اعتقاد دارند، توزیع درآمد در داخل کشورهای در حال توسعه نیز به نفع افرادی که در بخش خارجی به‌ویژه در بخش صادرات فعال هستند، تغییر می‌نماید. درنهایت، با بدتر شدن اوضاع توزیع درآمد، رشد اقتصادی نیز آسیب خواهد دید (هالموس، ۲۰۱۱).

هدف از انجام این پژوهش، بررسی اثر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر در کشورهای عضو پیمان شانگهای می‌باشد. این مقاله شامل پنج بخش است. پس از مقدمه؛ در بخش دوم، مبانی نظری و ادبیات پژوهش؛ در بخش سوم، پیشینه پژوهش؛ در بخش چهارم، روش تحقیق؛

در بخش پنجم، نتایج حاصل از تخمین مدل بررسی می‌گردد و در بخش ششم و پایانی، به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۲-۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یکی از راه‌های تأمین مالی در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. طیف اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار گسترده است، تسریع در رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی، انتقال تکنولوژی، تقویت و گسترش منابع مالی، افزایش تحقیق و توسعه، افزایش بهره‌وری، تأثیر بر واردات و صادرات و تراز پرداخت‌ها، نمونه‌هایی از این طیف هستند (سازور و همکاران، ۱۳۹۹).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان به‌وسیله این قاعده که برای کسب منافع مداوم مدیریت بنگاه انجام می‌گیرد، از سرمایه‌گذاری غیرمستقیم بازشناخت؛ اما ویژگی مشخص این نوع سرمایه‌گذاری‌ها، این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فقط یک سرمایه‌گذاری نیست، بلکه انتقال تکنولوژی، تجربیات و مهارت‌های مربوط به مدیریت و بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی را نیز به‌همراه دارد (طیبی و همکاران، ۱۳۸۷).

۲-۲. رشد فراگیر

در دهه ۱۹۹۰، اصطلاح "رشد فراگیر" یا "رشد طرفدار فقرا" یعنی رشد تولید ناخالص داخلی که منجر به کم‌شدن فقر می‌شود، به‌صورت رسمی در ادبیات اقتصاد معرفی شد. عوامل مختلف کلان اقتصادی مانند هزینه‌ها و مخارج دولت برای سلامت و آموزش، رشد اقتصادی (عمومی)، اشتغال مولد، زیرساخت‌ها، ثبات اقتصاد کلان، سرمایه انسانی یا سطح آموزش به‌عنوان عوامل بالقوه تعیین‌کننده رشد فراگیر مورد بحث قرار گرفته‌اند.

واحد اطلاعات اکونومیست^۲ (۲۰۱۷)، رشد فراگیر را رشد اقتصادی تقسیم شده در سراسر بخش‌های اقتصاد که پایدار و مداوم باشد، تعریف می‌کند. رشد فراگیر فرصت‌های اشتغال مولد ایجاد می‌کند، فقر و نابرابری را کاهش می‌دهد و به‌صورت کلی، مشارکت گسترده در منافع رشد را ایجاد می‌کند.

علی و سان^۳ (۲۰۰۷)، رشد فراگیر را به‌عنوان رشدی که نه‌تنها فرصت‌های اقتصادی جدید ایجاد می‌کند، بلکه همچنین دسترسی برابر به فرصت‌های ایجاد شده برای همه بخش‌های جامعه، به‌ویژه برای فقرا را تضمین می‌کند، معرفی می‌نمایند.

1. Inclusive growth
2. Economist Intelligence Unit
3. Ali and Son (2007)

یک روش پیشنهادی برای اندازه‌گیری رشد فراگیر، استفاده از تابع فرصت اجتماعی که شبیه تابع رفاه اجتماعی است، می‌باشد. علی و سان، رشد فراگیر را به‌عنوان فرایند رشدی که تابع فرصت‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد، تعریف می‌کنند. رشد فراگیر به دو عامل بستگی دارد: ۱- میانگین فرصت‌های در دسترس مردم و ۲- چگونه این فرصت‌ها در میان مردم توزیع یا به اشتراک گذاشته می‌شود (علی و سان، ۲۰۰۷).

کلاسن (۲۰۱۰)، براساس اینکه کدام گروه از افراد جامعه دریافت‌کننده نتایج رشد هستند، بین رشد فقرزدا و رشد فراگیر تمایز قائل می‌شود. رشد فقرزدا بر افراد زیر خط فقر تمرکز دارد، در صورتی که رشد فراگیر جامع‌تر است و می‌خواهد نفع رشد به تمام اقشار جامعه از جمله فقرا، دارندگان درآمد متوسط و حتی ثروتمندان برسد (بیزلی و کورد، ۲۰۰۷).

فراگیر بودن به معنای مستثنا نکردن هیچ گروه خاصی از افراد جامعه در فرایند رشد است. کلاسن در فراگیر بودن رشد، عدم تبعیض را دخیل می‌داند که هیچ فرد یا گروهی از همکاری در روند رشد محروم نشود و دسترسی برابر و غیرتبعیضی به رشد فراهم باشد تا همه افراد، همکاری مولد در اقتصاد داشته باشند و در منافع رشد سهیم شوند.

۲-۳. تفاوت بین رشد فراگیر و رشد حامی فقرا

رشد فراگیر و رشد حامی فقرا از نظر تعریف مطلق، در یک راستا هستند؛ اما از نظر تعریف نسبی متفاوت‌اند. به طور مطلق، رشد در هر دو مفهوم، چه فراگیر و چه رشد حامی فقرا باشد، به نفع فقرا در نظر گرفته می‌شود و به فقرا سود می‌رساند (راوالیون و چن، ۲۰۰۳)؛ اما رشد در مفهوم نسبی، فقط در صورتی که درآمد افراد فقیر سریع‌تر از کل جمعیت یک کشور رشد کند، یعنی کاهش نابرابری، طرفدار فقرا خواهد بود (دول لار و کرای، ۲۰۰۲؛ صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۱).

بنابراین، رشد فراگیر، شکل بهبودیافته‌ای از رشد حامی فقرا است که بر بهبود بهره‌وری و ایجاد فرصت‌های شغلی مولد جدید برای کاهش مؤثر فقر و نابرابری متمرکز است. این بدان معنا است که تمرکز رشد فراگیر به‌جای آنکه صرفاً بر توزیع درآمد متمرکز باشد، بر ایجاد اشتغال مولد تأکید دارد (بورگینیون و موریسون، ۱۹۹۸؛ بانک جهانی، ۲۰۰۸).

رشد فراگیر نه‌تنها ابعاد درآمدی، بلکه ابعاد غیردرآمدی رفاه انسان، یعنی تغییر در شرایط اجتماعی و اقتصادی را نیز دربر می‌گیرد (اسلام و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین رشد فراگیر رفاه اجتماعی را تضمین می‌کند. دستور کار اصلی رشد فراگیر، ایجاد محیطی مملو از فرصت‌های شغلی عادلانه بدون تضعیف اقشار فقیر جامعه است. هم‌اکنون رشد فراگیر به‌عنوان ابزار اصلی که نه‌تنها فقر را کاهش می‌دهد، بلکه سبب بهبود و ارتقاء زندگی مردم می‌شود، نمود پیدا کرده است؛ چون رشد

فراگیر فقط بر توزیع نتایج ناشی از رشد تمرکز نمی‌کند، بلکه بر ایجاد محیطی توانمند برای ایجاد فرصت‌های شغلی مولد نیز تمرکز دارد.

رشد فراگیر مردم را قادر می‌سازد تا بخشی از فرایند تولیدی شوند و به مشارکت بخش‌های محروم جامعه نیز کمک کنند. این امر با کاهش نرخ بیکاری به کاهش نابرابری و فقر کمک می‌نماید و فرصت‌های عادلانه برای اشتغال مولد را فراهم می‌کند. رشد بالای گسترده به‌عنوان رشد فراگیر، هنگامی در نظر گرفته می‌شود که افراد فقیر نه‌تنها از آن بهره‌مند می‌شوند، بلکه تا حد امکان، مشارکت می‌کنند تا فرصت‌های اقتصادی جدیدی ایجاد کنند. بنابراین، رشد فراگیر به فرصت‌هایی برای اکثریت نیروی کار، اعم از اقشار فقیر یا طبقه متوسط و یا افراد مرفه، مربوط می‌شود؛ اما عمدتاً به رفاه فقرا بیشتر اهمیت می‌دهد. علاوه بر این، رشد فراگیر عمدتاً مسائل توسعه اجتماعی - اقتصادی به‌عنوان مثال: فقر، بیکاری و نابرابری را حل می‌کند.

۲-۴. تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر

رشد فراگیر از طریق کانال‌های انتقال فناوری و دانش، افزایش بهره‌وری و مهارت‌های نیروی کار و مشاغل جدید ایجاد می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) با ایجاد دانش، بهره‌وری و سرریزهای فناوری و پیوندهای روبه‌جلو و عقب با عوامل اقتصادی محلی که منجر به رشد اشتغال و رشد اقتصادی محلی می‌شود، بر اقتصاد کشور میزبان تأثیر مثبت می‌گذارد. مطالعات قبلی نشان داده‌اند که میزان این مزایا تا حد زیادی بر اساس ماهیت، تراکم و عمق پیوندهای ایجاد شده با شرکت‌های محلی متفاوت است که همگی به ظرفیت جذب کشور میزبان بستگی دارد.

تعداد زیادی از مطالعات تجربی در این زمینه استدلال کرده‌اند که تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد به ویژگی کشور میزبان بستگی دارد. زمانی سرریزهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به حداکثر می‌رسند که شکاف کمتری بین کشور میهمان و کشور میزبان از نظر فناوری، دانش، نهادهای مختلف، توسعه اقتصادی و غیره وجود داشته باشد. زمانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تأثیر مثبتی بر رشد فراگیر دارد که بخش تولید و زیرساخت به‌اندازه کافی در کشور میزبان وجود داشته باشد. همچنین به‌طور غیرمستقیم زمانی که کشور میزبان، دارای بخش خدمات بزرگی است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر، تأثیر مثبتی دارد. پس برای اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به پیوندها و سرریزهای بیشتر شود و درنهایت، ایجاد شغل برای فقرا داشته باشد، باید شکاف کمتری در فناوری یا دانش با شرکت‌های خارجی وجود داشته باشد.

تکیه بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کاهش فقر، تنها زمانی کارساز خواهد بود که کشور میزبان ظرفیت جذب کافی داشته باشد؛ اما بسیاری از کشورهایی که بیشتر به رشد فراگیر نیاز دارند، در حال حاضر چنین ظرفیتی ندارند. با این وجود، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنان می‌تواند به طور غیرمستقیم با تأثیر مثبت بر رشد فراگیر و همچنین با تأثیر بر توسعه بخش تولید و تشکیل سرمایه ناخالص کشور میزبان، به این نتایج در رشد فراگیر کمک کند. آموزش، باز بودن تجارت، سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پایه‌های القایی رشد فراگیر هستند. از منظری دیگر

برای جذب، ادغام و حفظ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای میزبان جهت کمک به رشد فراگیر، حکمرانی صحیح برای انسجام اجتماعی و حفاظت از سرمایه‌گذاران خارجی ضروری است (آسونگو و نواچوکو، ۲۰۱۶).

تأثیر یکپارچگی اقتصادی و جهانی‌شدن بر رشد فراگیر از دو دیدگاه قابل بررسی است. اول، اتفاق نظر وجود دارد که در کشورهایی که نیروی کار و تجارت فراوان وجود دارد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مکمل روابط فرامرزی است، جهانی‌شدن و یکپارچگی‌های اقتصادی و تجاری می‌تواند رشد فراگیر و کاهش فقر را به همراه داشته باشد. دوم، اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به رشد فراگیر در کشورهای میزبان از طریق افزایش شکاف توزیع درآمد، آسیب برساند. از دهه ۹۰ میلادی، واژه رشد فراگیر، یعنی رشد تولید ناخالص داخلی که منجر به کاهش فقر شود، به‌طور رسمی وارد ادبیات نظری اقتصاد گردید. عوامل مختلف اقتصاد کلان و سیاست‌گذاری به عنوان عوامل بالقوه مؤثر بر رشد فراگیر در ادبیات نظری معرفی شده‌اند؛ به‌عنوان مثال، مخارج کلی دولت، هزینه‌های دولت در سلامت و آموزش، تغییرات ساختاری، سرمایه‌گذاری ثابت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. مطالعات متعددی تأثیر هزینه‌های دولت، زیرساخت‌ها و سیاست‌های مالی دولت را بر رشد فراگیر بررسی نموده‌اند، اما مطالعات معدودی درخصوص تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر انجام شده است. لذا در این پژوهش، سعی می‌شود علاوه بر بررسی اثر متغیرهای مذکور بر رشد فراگیر کشورهای عضو همکاری شانگهای، تمرکز اصلی بر تحلیل نظری و کاربردی اثر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر در کشورهای عضو این همکاری باشد.

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. مطالعات داخلی

صفرزاده و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "برآورد تأثیر حکمرانی خوب بر رشد فراگیر در کشورهای منتخب"، به بررسی ارتباط نظام تدبیر شایسته و رشد فراگیر پرداختند و مشاهده کردند که متوسط شاخص رشد فراگیر برای کشورهای پردرآمد، بیشتر از کشورهای با درآمد متوسط است. سید نورانی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان "نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی با تکیه بر تئوری وابستگی و حکمرانی در گروه کشورهای درحال توسعه"، به تعیین جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصاد بر پایه تئوری وابستگی و حکمرانی در گروه کشورهای درحال توسعه پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه، نشان داده است که شاخص حکمرانی و شاخص وابستگی بر رشد اقتصادی، اثر مثبت دارند.

گوهری (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان "تعیین چهارچوبی برای اندازه‌گیری رشد فراگیر"، با تبیین توصیف کاملی از رشد فراگیر به اندازه‌گیری شاخص ترکیبی رشد فراگیر با استفاده از روش تجزیه مؤلفه‌های اصلی (PCA) در دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۰ برای کشورهای برگزیده با درآمد

متوسط به بالا از جمله ایران پرداخت. نتایج مطالعه وی، نشان داد، رشد فراگیر در ایران طی سال‌های مورد مطالعه افزایش داشته است، اما میزان این افزایش در قیاس با کشورهای منتخب، کمتر بوده که باعث فاصله‌گرفتن رشد فراگیر در ایران در قیاس با میانگین رشد فراگیر کشورهای منتخب بوده است.

میرجلالی و همکاران (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر کشورهای سازمان همکاری اسلامی"، به تعیین عوامل تأثیرگذار بر رشد فراگیر کشورهای منتخب سازمان همکاری اسلامی پرداختند. نتایج این پژوهش، نشان داد، کنترل تورم، سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری، مصرف دولت و باز بودن تجاری، از عوامل مؤثر بر رشد فراگیر در کشورهای اسلامی است.

احمدزاده و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران"، به تحلیل تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش، نشان‌دهنده اثر مثبت و معنادار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر ضریب جینی است.

۲-۳. مطالعات خارجی

آفوری و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان "اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر: اثرات خنثی‌کننده و سیاست مربوط به حاکمیت دولت"، به تعیین تأثیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر و اثر ساختار حاکمیت بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۴۲ کشور آفریقایی پرداختند. نتایج پژوهش آنان، نشان داد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد فراگیر را در این کشورها رونق داده، اما تأثیر آن ضعیف بوده است.

کانگ و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان "چه زمانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به رشد فراگیر می‌شود؟"، به بررسی شرایطی که در آن، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور مؤثر منجر به رشد فراگیر می‌شود، پرداختند. نتایج این پژوهش، نشان داد، زمانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بیشترین اثر را بر رشد فراگیر خواهد داشت که بخش تولید و زیرساخت آن به‌اندازه کافی در کشور میزبان بزرگ باشد. برای برخورداری از نتایج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، باید شکافی بین فناوری و دانش کشور میزبان با شرکت خارجی وجود نداشته باشد.

منیر و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان "تأمین مالی رشد فراگیر از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: ترکیب نقش کیفیت نهادی"، به بررسی اثربخشی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای رشد فراگیر در اقتصادهای مختلف با سطح متفاوتی از کیفیت نهادی پرداختند. نتایج پژوهش،

1. Ofori et al. (2021)
2. Kang et al. (2021)
3. Munir et al. (2020)

نشان داده که سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دستیابی به رشد جامع به خصوص برای اقتصادهایی با سطح پایین و متوسط، کیفیت نهادی نقش مهمی ایفا کرده است.

آلواردو و همکاران (۲۰۱۷)، در مطالعه‌ای با عنوان "سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی در آمریکای لاتین"، به تعیین تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در ۱۹ کشور آمریکای لاتین پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد بالاتر، اثر مثبت و معنادار بر محصول دارد؛ اما در کشورهایی با درآمد متوسط به بالا، این اثر نابرابر و غیرمعنادار است. درنهایت، این اثر در کشورهایی با درآمد متوسط به پایین منفی و معنادار است.

۴. روش تحقیق

۴-۱. اندازه گیری رشد فراگیر

در ادبیات تجربی، رشد فراگیر به عنوان به حداکثر رساندن تابع فرصت اجتماعی تعریف شده است، چرا که دو موضوع کارآیی و برابری را با هم دربر می‌گیرد. در روش آناند و همکاران (۲۰۱۳)، رشد فراگیر به دو عامل رشد درآمد و توزیع درآمد بستگی دارد. در حقیقت اثر جانیشینی و اثر درآمدی در مؤلفه های رشد و توزیع گنجانده می‌شود. فزاینده بودن تابع فرصت اجتماعی دربرگیرنده بعد رشد است و انتقال درآمد از فرد ثروتمند به فقیر (که در برگیرنده بعد توزیعی است)، از ارزش تابع فرصت اجتماعی می‌کاهد. برای دربرگیری مقدار تغییرات توزیع درآمد، از مساحت زیر منحنی تحرک اجتماعی استفاده می‌شود.

$$Y^* = \int_0^{100} \bar{Y}_i d_i \quad (1)$$

در این تابع، فرصت اجتماعی می‌تواند به هر شکلی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و یا چندین فرصت پولی و غیرپولی دیگر باشد. این مطالعه، از درآمد به عنوان تعیین کننده فرصت استفاده خواهد کرد. نکات زیر در معادله (۱) در نظر گرفته می‌شود:

- اگر $\bar{Y} = \bar{Y}^*$ باشد، توزیع فرصت‌ها برای جامعه کاملاً عادلانه است.

- اگر $\bar{Y} < \bar{Y}^*$ باشد، توزیع ناعادلانه درآمد را نشان می‌دهد.

- سطوح بالاتر \bar{Y}^* ، سطح بالاتری از درآمد را نشان می‌دهد.

\bar{Y} میانگین فرصت‌های موجود برای هر جامعه را نشان می‌دهد؛ در حالی که، \bar{Y}^* میانگین در دسترس بودن فرصت‌ها را برای افراد متعلق به هر دهک درآمد نشان می‌دهد. از این رو، انحراف بین \bar{Y}^* و \bar{Y} ، نشان دهنده نابرابری در توزیع فرصت‌ها است (که در این مطالعه، با درآمد تفسیر می‌شود). بر اساس این مدل سازی تجربی، علی و سون (۲۰۰۷)، از این ویژگی \bar{Y}^* استفاده کردند و یک شاخص برابری درآمد (IEI) را پیشنهاد دادند که در آن، $w_i = \frac{\bar{Y}^*}{\bar{Y}}$ است. یک جامعه کاملاً عادلانه

دارای $w_i = 1$ خواهد بود. یعنی ارزش بالاتر از w برابری درآمد بالاتر را نشان می‌دهد. چینش دوباره معادله به صورت زیر است:

$$\bar{Y}^* = W \times \bar{Y} \quad (۲)$$

معادله ۲ نشان می‌دهد که رشد فراگیر به درآمد متوسط و توزیع درآمد در بخش‌های مختلف جامعه بستگی دارد. اگر از معادله (۲) مشتق‌گیری شود، رابطه زیر به دست می‌آید:

$$D\bar{Y}^* = w_i^* d\bar{Y} + dw_i^* \bar{Y} \quad (۳)$$

$d\bar{Y}^*$ تغییر در رشد فراگیر است و اگر $d\bar{Y}^* > 0$ باشد، رشد فراگیرتر است. می‌توان رشد فراگیر را به رشد درآمدی و تغییر در برابری تجزیه کرد. عبارت اول، نقش افزایش در درآمد متوسط با ثابت نگه‌داشتن توزیع درآمد و عبارت دوم، نقش توزیع درآمد با ثابت نگه‌داشتن درآمد متوسط را نشان می‌دهد. رشد فراگیر به علامت و اندازه این دو عبارت بستگی دارد که ترکیب‌های متفاوتی از این دو عبارت را می‌توان به صورت زیر استنباط کرد.

(الف) اگر هر دو عبارت مثبت باشد $d\bar{Y} > 0$ و $dw > 0$ ، رشد، فراگیر است.

(ب) اگر هر دو عبارت منفی باشد $d\bar{Y} < 0$ و $dw < 0$ ، رشد، غیر فراگیر است.

(ج) اگر عبارت اول مثبت و عبارت دوم منفی باشد $d\bar{Y} > 0$ و $dw < 0$ ، تحرک اجتماعی بالاتر به هزینه کاهش برابری به دست می‌آید.

(د) اگر عبارت اول منفی و عبارت دوم مثبت باشد $d\bar{Y} < 0$ و $dw > 0$ ، آنگاه تحرک اجتماعی بالاتر به هزینه انقباض درآمد متوسط به دست می‌آید.
معادله (۲) را می‌توان به صورت زیر مرتب نمود:

$$\frac{d\bar{Y}^*}{\bar{Y}^*} = \frac{d\bar{Y}}{\bar{Y}} + \frac{dw}{w} \quad (۴)$$

رابطه فوق، مبنای یکپارچه کردن رشد و برابری در یک واحد اندازه‌گیری رشد (درصد تغییرات در \bar{Y}^*) است. معادله رشد فراگیر در رشد و درصد تغییرات برابری که با w اندازه‌گیری شده، تجزیه می‌شود. پس از محاسبه متغیر رشد فراگیر براساس معادله بالا، این متغیر به‌عنوان متغیر وابسته در مدل رگرسیون مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴-۲. ارائه الگو و روش برآورد آن

پس از محاسبه و اندازه‌گیری شاخص رشد فراگیر براساس مطالب ذکر شده در قسمت قبل، از مدل تجربی زیر ارائه شده توسط منیر و همکاران (۲۰۲۰)، جهت بررسی اثر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر استفاده می‌شود:

$$\text{Ingrowth} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{FDI} + \alpha_2 \text{Gov} + \alpha_3 \text{Exch} + \alpha_4 \text{FD} + \alpha_5 \text{Inf} \quad (۵)$$

که در آن، متغیر وابسته رشد فراگیر (Ingrowth) است و متغیرهای توضیحی مدل به شرح زیر هستند:

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به رشد فراگیر و توزیع عادلانه درآمد کمک می‌کند. چون این نوع سرمایه‌گذاری باعث افزایش ظرفیت تولیدی کشور میزبان، تسریع احیای بخش صنعتی از طریق انتقال فناوری، نوآوری و افزایش مشارکت در زنجیره جهانی می‌شود؛ پس اثر مثبت بر رشد فراگیر دارد.

حکمرانی خوب (Gov)، اشاره به ارتباط چهارچوب‌های سیاسی-اقتصادی و نهادی برای افزایش رشد فراگیر دارد. به‌طور کلی، حکمرانی خوب ضروری است تا رشد فراگیر از طریق ایجاد یک محیط سیاسی و اجتماعی-اقتصادی منجر به مسئولیت‌پذیری، توزیع عادلانه درآمد و انسجام اجتماعی شود. معیارهای حکمرانی خوب از جمله کنترل فساد و حاکمیت قانون، کیفیت مقررات و نظارت و اثربخشی دولت، باعث افزایش نرخ رشد فراگیر می‌شود.

نرخ ارز (Exch)، ارتباط مستقیم با بخش خارجی اقتصاد دارد و بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است. تضعیف پول ملی (افزایش نرخ ارز)، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. از طرفی، افزایش نرخ ارز باعث کاهش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در نتیجه، کاهش رشد فراگیر می‌شود، پس افزایش نرخ ارز، اثر منفی بر رشد فراگیر می‌گذارد.

توسعه مالی (FD)، تأثیر مثبت بر رشد فراگیر دارد و تورم (Inf)، باعث ناپایداری اقتصاد کلان و آسیب به فقرا می‌شود؛ چون بخش قابل توجه درآمد فقرا صرف مواد مصرفی می‌شود؛ پس تورم باعث کاهش رشد فراگیر شده و دارای اثر منفی می‌باشد.

در این مطالعه، برای بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نرخ رشد فراگیر با در نظر گرفتن نقش ضریب جینی از مدل رگرسیونی حد آستانه استفاده می‌شود، زیرا با کاربرد این مدل می‌توان مقدار آستانه‌ای برای متغیر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تعیین کرد و همزمان اثرگذاری FDI بر رشد فراگیر را در رژیم‌های مختلف با سطوح متفاوت، مورد تحلیل قرار داد.

مدل آستانه، شکست ساختاری یا ویژگی جهشی در رابطه بین متغیرها را توصیف می‌کند. این مدل توسط هانسن^۱ (۱۹۹۹) ارائه شده است. در ادامه، به معرفی این روش پرداخته می‌شود. اطلاعات پانل متوازن به شکل $(y_{it}, q_{it}, x_{it}; 1 \leq i \leq n, 1 \leq t \leq T)$ است. اندیس i مقاطع و اندیس t زمان را مشخص می‌کند. y_{it} متغیر وابسته، q_{it} متغیر آستانه و x_{it} بردار K از متغیرهای توضیحی است. معادله ساختاری به شکل زیر می‌باشد:

$$y_{it} = \mu_i + \beta_1' x_{it} I(q_{it} \leq \gamma) + \beta_2' x_{it} I(q_{it} > \gamma) \quad (۶)$$

یک روش جایگزین برای نوشتن رابطه (۵)، به صورت زیر است:

$$y_{it} = \begin{cases} \mu_i + \beta_1' x_{it} + e_{it} & q_{it} \leq \gamma \\ \mu_i + \beta_2' x_{it} + e_{it} & q_{it} > \gamma \end{cases} \quad (۷)$$

روش خلاصه دیگر برای نمایش رابطه (۶):

$$x_{it}(\gamma) = \begin{cases} x_{it}I(q_{it} \leq \gamma) \\ x_{it}I(q_{it} > \gamma) \end{cases} \quad (۸)$$

و $\beta = (\beta'_1 \beta'_2)$ ، بنابراین، رابطه (۵) برابر است با:

$$y_{it} = \mu_i + \beta'_1 x_{it}(\gamma) + e_{it} \quad (۹)$$

مشاهدات براساس اینکه متغیر آستانه‌ای q_{it} کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از حد آستانه γ باشد، به دو «رژیم» تقسیم می‌شود. رژیم‌های مختلف براساس اختلاف بین شیب‌های β_1 و β_2 رگرسیون متمایز می‌شود. شناسایی β_1 و β_2 مستلزم این است که اجزای X_{it} زمان - ثابت نباشند. همچنین فرض می‌شود که متغیر آستانه q_{it} نیز زمان - ثابت نباشد و جزء خطا e_{it} مستقل بوده و به‌طور یکسانی با میانگین صفر و واریانس e_{it} توزیع شده است (هانسن، ۱۹۹۹).

در مطالعه حاضر، رشد فراگیر به‌عنوان متغیر وابسته می‌باشد. متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان متغیر آستانه‌ای و از ضریب جینی به‌عنوان متغیر تحت تأثیر آستانه استفاده شده است. سایر متغیرهای توضیحی وارد شده در مدل شامل نرخ ارز مؤثر واقعی، شاخص کل حکمرانی خوب (میانگینی از شش زیرشاخص) و عمق مالی می‌باشد. پس از تبیین متغیرها می‌توان این متغیرها را در قالب مدل رگرسیون آستانه نشان داد:

$$\text{Growth}_{it} = \alpha X_{it} + \begin{cases} \beta_1 \text{gini}_{it} + e_{it} & FDI \leq \gamma \\ \beta_2 \text{gini}_{it} + e_{it} & FDI > \gamma \end{cases} \quad (۱۰)$$

در رابطه بالا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، هم متغیر توضیحی و هم، متغیر آستانه‌ای و شاخص ضریب جینی متغیر تحت تأثیر آستانه می‌باشد که از طریق ضرایب β_1 و β_2 معادله را به دو رژیم تقسیم می‌کند. هدف بررسی این است که در حد بالا و پایین آستانه تأثیر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق شاخص ضریب جینی بر رشد فراگیر چگونه است. بردار X_{it} شامل متغیرهای متغیرهای توضیحی از جمله نرخ ارز مؤثر واقعی، شاخص کل حکمرانی، عمق مالی است و growth شاخص ترکیبی رشد فراگیر می‌باشد.

در این پژوهش، از بین شاخص‌های توسعه مالی از شاخص عمق مالی (استخراج شده از سایت imf) به‌دلیل بهتر جواب گرفتن در تخمین مدل و موجود بودن داده‌های این متغیر استفاده شده است. همچنین به‌دلیل اینکه تأکید بر رشد فراگیر است، ضریب جینی که یکی از جنبه‌های رشد فراگیر است، به‌عنوان متغیر تحت تأثیر آستانه انتخاب شده است. تصریح چنین مدلی، این امکان را فراهم می‌نماید که بتوان میزان اثر جریان FDI بر ضریب جینی در مدل رشد فراگیر را در دو زیرمجموعه متفاوت بسته به اینکه FDI کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از سطح آستانه‌ای γ در مدل باشد را بررسی نمود.

۳-۴. سازمان همکاری شانگهای

در ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۶ و در شهر شانگهای چین پنج کشور روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان باهدف تقویت اعتماد متقابل و خلع سلاح در مرزهای خود، تشکلی به نام "شانگهای" را تأسیس کردند. اعضای سازمان همکاری شانگهای (SCO) با داشتن مساحتی معادل ۳۰ میلیون و ۱۸۹ هزار مترمربع، سه - پنجم از مساحت آسیا و با جمعیتی در حدود یک و نیم میلیارد نفر، چیزی حدود یک - چهارم جمعیت کره زمین را در اختیار دارند. همکاری اقتصادی کشورهای عضو، به عنوان یکی از اولویت‌های فعالیتی سازمان شانگهای، شناخته شده است. همکاری‌های اعضای سازمان را در سه زمینه سیاسی و امنیتی، اقتصادی و اجتماعی می‌توان مورد بررسی قرارداد.

۱- همکاری در زمینه‌های سیاسی و امنیتی

- اتخاذ مواضع مشترک در سیاست خارجی و اتخاذ سیاست‌های مشترک در مسائل منطقه‌ای و

بین‌المللی؛

- اقدام مشترک در زمینه مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی، مبارزه با قاچاق مواد

مخدر، قاچاق سلاح و مهاجرت غیرقانونی؛

- همکاری در زمینه کنترل تسلیحات و خلع سلاح.

۲- همکاری در زمینه اقتصادی، بازرگانی و تجاری

- تقویت و گسترش همکاری‌های اقتصادی و منطقه‌ای؛

- گسترش تجارت، سرمایه‌گذاری و ایجاد محیط مناسب برای رسیدن به جریان آزاد سرمایه، کالا

و خدمات در کشورهای عضو؛

- برداشتن موانع در جهت گسترش و تقویت حمل‌ونقل جاده‌ای؛

- تبادل اطلاعات در زمینه‌های گوناگون؛

- همکاری در زمینه ترانزیت انرژی؛

- مدیریت منابع آب در منطقه.

۳- همکاری در زمینه اجتماعی

- همکاری‌های آموزشی، ورزشی، بهداشتی، گسترش توریسم و تبادلات فرهنگی.

۴-۴. فرصت‌های اقتصادی شانگهای برای ایران

فرصت‌های اقتصادی شانگهای برای ایران عبارتند از:

- حفظ و گسترش بازار مصرفی بزرگ و بادوام برای نفت و صادرات غیرنفتی و رفع نیازهای

تکنولوژیکی و منابع مالی برای توسعه صنعتی، با توجه به ظرفیت کشورهای عضو؛

- بهره‌گیری از قدرت و توان اقتصادی و ظرفیت‌های چین به‌منابه پل ارتباطی میان شرق و جنوب

شرق آسیا؛

- گسترش همکاری‌ها در بستر متنوعی از همکاری‌ها نظیر انتقال خطوط مخابراتی، حمل‌ونقل کالا و ترانزیت انرژی؛

- ایجاد رویه‌های به‌منظور مبادله آزاد کالا و دستیابی به توافقاتی در زمینه اعطای امتیازات و معافیت‌های مربوط به تعرفه‌های گمرکی؛

- توسعه گردشگری و تبادل هیئت‌های بازرگانی و غیره.

پیوستن ایران به این سازمان، پیش‌زمینه‌ای برای همکاری‌های گسترده‌تر بین طرف‌های مختلف است. این همکاری می‌تواند به شکل دو جانبه در تعاملات مختلف فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و سیاسی بین ایران و سایر کشورهای عضو دنبال شود و می‌تواند در قالب خود سازمان شانگهای در یک چهارچوب سازمان یافته به‌صورت گروهی توسط تمامی کشورهای دنبال گردد. از طرف دیگر، عضویت ایران می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای عضویت ایران در سایر نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باشد (احمد، ۲۰۲۲).

۵. تخمین مدل

آزمون اثر آستانه‌ای تا سه آستانه انجام و نتایج این آزمون در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول ۱: نتایج آزمون اثر آستانه‌ای

حد آستانه	آماره F	ارزش احتمال
تکی	۴۲۴/۸۱	۰/۰۰۰۰
دوتایی	۱۱/۳۵	۰/۳۵۰۰
سه‌تایی	۶/۱۰	۰/۹۳۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

در جدول اثر آستانه‌ای، آستانه تک (single) متناظر با فرض H_0 مدل خطی و فرض H_1 مدل تک آستانه‌ای است. به همین ترتیب، آستانه دوتایی (double) و آستانه سه‌تایی (triple)، دارای فرض‌های H_1 معادل وجود دو آستانه و سه آستانه هستند. با توجه به نتایج خلاصه شده در جدول (۱)، مشخص شد که الگوی مورد مطالعه، یک الگوی تک‌آستانه‌ای است؛ زیرا آماره محاسبه شده F تنها در این حالت از مقادیر بحرانی در جدول، بالاتر است و یا به عبارتی، فرض H_0 تنها در این حالت پذیرفته نمی‌شود، لذا در ادامه مدل، براساس روش تک آستانه‌ای تخمین زده می‌شود. در این مدل، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای حد آستانه بر ضریب جینی می‌باشد.

جدول ۲: برآورد مدل آستانه‌ای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم بر رشد فراگیر

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	p-value
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۰/۰۲۱۹	۰/۰۰۵۵۹۴۴	۳/۹۳	۰/۰۰۰
نرخ ارز	-۹/۹۸e-۰۷	۱/۲۲e-۰۶	-۰/۸۲	۰/۴۱۶
عمق مالی	۰/۲۷۷۱۰۱۱	۱/۰۶۱۵۵۸۴	۴/۵۰	۰/۰۰۰
شاخص کل حکمرانی	۰/۰۰۲۷۷۷۷	۰/۰۰۱۱۴۲۱	۲/۴۳	۰/۰۱۶
عرض از مبدأ	-۰/۰۷۴۸۹۱۹	۱/۰۳۱۶۶۱۴	-۲/۳۷	۰/۰۱۹
GINI				
$\leq \gamma$	-۰/۰۰۵۴۴۰۵	۰/۰۰۲۷۱۸۱	-۲/۰۰	۰/۰۴۷
$> \gamma$	۰/۱۸۱۵۴۲۸	۰/۰۰۸۷۴۱۷	۲۰/۷۷	۰/۰۰۰
مقدار حد آستانه تخمین زده شده	۴/۸۷۵۶	تعداد مقاطع	۸	
آماره F وجود آستانه	۴۲۴/۸۱	تعداد مشاهدات	۱۶۸	
آماره F برای معناداری رگرسیون	۷/۳۲	ارزش احتمال آماره F	۰/۰۰۰	

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

تخمین مدل براساس روش اثرات ثابت در نرم‌افزار استاتا تخمین زده شد و نتایج تخمین مدل در جدول (۲)، نشان می‌دهد که بجز متغیر نرخ ارز، بقیه متغیرهای مدل، اثر معنی‌داری بر رشد فراگیر دارند. حد آستانه‌ای برای متغیر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برابر ۴/۸۷۵ میلیارد دلار می‌باشد که براساس آن، متغیر ضریب جینی در بالاتر و پایین‌تر از این حد آستانه، اثرات متفاوتی بر رشد فراگیر خواهد داشت. هنگامی که جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از این حد آستانه کمتر باشد، ضریب جینی، اثر معنی‌داری بر متغیر رشد فراگیر در کشورهای مورد بررسی دارد. به عبارتی، با یک واحد افزایش در ضریب جینی (توزیع عادلانه‌تر)، موجب کاهش ۰/۰۰۵ واحدی در شاخص رشد فراگیر می‌باشد. این مسئله مطابق با دیدگاه طرفداران وابستگی است.

طرفداران دیدگاه وابستگی، ادعا می‌کنند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ساختار اجتماعی کشور میزبان، شکاف ایجاد می‌کند و نابرابری داخلی را در کشور میزبان افزایش می‌دهد. تئوریسین‌های وابستگی، مکانیسم نواستعماری را برجسته کرده‌اند و معتقدند این مکانیسم هنگامی اتفاق می‌افتد که فعالان داخلی مربوط به بخش صادرات گرا، از نفوذ کالاها و خدمات کشور خارجی به داخل کشور حمایت می‌کنند و مانع توسعه تولید بومی می‌شوند و در نتیجه، به عقیده آنان، این فرایند از طریق بدتر کردن توزیع درآمد، موجب ممانعت از فرایند رشد اقتصادی فراگیر می‌شود.

هنگامی که جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب مورد بررسی، بالاتر از حد آستانه ۴/۸۷۵ میلیارد دلار باشد، ضریب جینی، اثر معکوس بر متغیر رشد فراگیر خواهد داشت. به عبارتی، افزایش ضریب جینی و بدتر شدن توزیع عادلانه در این کشورها، موجب افزایش شاخص رشد فراگیر به اندازه ۰/۱۸۱ واحد می‌باشد.

طرفداران دیدگاه نوسازی، معتقدند که قبل از اینکه به توزیع مجدد پرداخته شود، باید به اندازه کافی محصول تولید شود و نابرابری را به‌عنوان پیش‌شرط لازم برای بهبود درآمد در آینده می‌دانند. این استدلال را می‌توان در فرضیه کوزنتس یافت که بیانگر آن است که در مراحل اولیه توسعه، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وضعیت توزیع درآمد را بدتر می‌کند، اما در مراحل بعدی توسعه، با افزایش مقادیر ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نابرابری درآمد کاهش می‌یابد؛ بدین‌گونه که در ابتدا شرکت‌های کشور میزبان برای به‌دست‌آوردن تکنولوژی جدید، نیاز بیشتری به نیروی کار ماهر دارند. بنابراین، تقاضا و قیمت نسبی (دستمزد) کارگران ماهر را افزایش می‌دهد که موجب تقسیم‌بندی بازار کار و نابرابری دستمزد است. در مرحله دوم، زمانی که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش می‌یابد، شرکت‌های محلی قادر به انتقال سطح بالاتر تکنولوژی با تقلید از شرکت‌های خارجی می‌شوند و از طریق آموزش‌دادن تکنولوژی‌های جدید به نیروی کار کم‌مهارت، شکاف دستمزد بین کارگران ماهر و غیرماهر کاهش می‌یابد.

بر طبق نظریه نوسازی، آنچه که مهم است، مزیت است، نه منشأ سرمایه. سرمایه چه داخلی و چه خارجی، موجب تسریع رشد می‌شود و سرانجام منافع آن، در کل اقتصاد پخش می‌شود. از این‌رو، حتی اگر FDI تنها در بخش‌های مخصوص و برجسته موجب رشد شود، تنها نخبگان محلی را به‌صورت پیوسته توسعه دهد یا منجر به دوگانگی اقتصادی شود، در بلندمدت رشد، توزیع درآمد را تسهیل می‌کند.

بر طبق نظریه نوسازی، آنچه که مهم است، مزیت است، نه منشأ سرمایه. سرمایه چه داخلی و چه خارجی، موجب تسریع رشد می‌شود و سرانجام منافع آن، در کل اقتصاد پخش می‌شود. از این‌رو، حتی اگر FDI تنها در بخش‌های مخصوص و برجسته موجب رشد شود، تنها نخبگان محلی را به‌صورت پیوسته توسعه دهد یا منجر به دوگانگی اقتصادی شود، در بلندمدت رشد، توزیع درآمد را تسهیل می‌کند.

متغیر عمق مالی، دارای اثر معناداری بر شاخص رشد فراگیر می‌باشد؛ به‌صورتی که با یک درصد افزایش در عمق مالی با شرط ثبات سایر متغیرها، نرخ رشد فراگیر ۰/۲۷۷٪ افزایش خواهد یافت. سیستم مالی، تخصیص کارآمد منابع را افزایش می‌دهد. سیستم‌های مالی توسعه یافته‌تر، ممکن است به روند گسترش فناوری‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کمک کنند. عملکرد خوب بازارهای مالی از طریق کاهش هزینه مبادله، باعث می‌شود که سرمایه اختصاص داده شده در پروژه‌های با بازدهی بالا تضمین شود و در نتیجه، رشد اقتصادی بالا رود. سیستم مالی توسعه یافته از مسیر جمع‌آوری پس‌اندازها، ممکن است حجم تأمین مالی را افزایش دهد.

با توجه به تخمین، متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، دارای اثر معناداری بر شاخص رشد فراگیر می‌باشد؛ به‌صورتی که با یک درصد افزایش در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با شرط ثبات سایر متغیرها، نرخ رشد فراگیر ۰/۰۲٪ افزایش خواهد یافت. معمولاً به همراه تکنولوژی پیشرفته و مدرن، سازماندهی و مدیریت برتر وارد کشور می‌شود. بنابراین FDI به‌عنوان موتور رشد در کشورها شناخته شده است. این مطلب در مطالعات پیشین نیز مورد اشاره واقع شده است. آنها بر این عقیده‌اند

که اثرات سودمند FDI بر رشد اقتصادی توسط کارایی بالاتری که این نوع سرمایه گذاری به دلیل تکنولوژی پیشرفته دارد، حاصل می شود؛ نه صرفاً از طریق انباشت بیشتر سرمایه.

FDI می تواند ظرفیت صادرات کشور میزبان را افزایش دهد و باعث شود که کشور در حال توسعه، درآمد ارزی بیشتری را جذب نماید. FDI همچنین با ایجاد فرصت های شغلی جدید و افزایش انتقال تکنولوژی مرتبط است و باعث بهبود کلی رشد در کشورهای میزبان می گردد. لذا تجارت و جریان های ورودی FDI به عنوان عامل مهمی در فرایند رشد اقتصادی شناخته شده اند.

متغیر حاکمیت قانون در سطوح ۵ درصد، دارای اثر معناداری بر رشد فراگیر می باشد. بدین ترتیب که با یک واحد بهبود در این شاخص و ثابت بودن سایر متغیرها، نرخ رشد فراگیر، ۰/۰۰۲٪ افزایش خواهد یافت. این امر بدین معنی است که هر اندازه ویژگی های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات اضافی و بی ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، نهادها در آن جامعه برای نیل به اهداف توسعه، مناسب تر است. پس امنیت اقتصادی و به دنبال آن، رشد اقتصادی مناسب را به ارمغان می آورد.

۶. بحث و نتیجه گیری

رشد فراگیر به معنای رشد مفید برای همه است. رشدی که به نفع همه اقشار جامعه از جمله فقرا، افراد با درآمد متوسط و حتی ثروتمندان است. فرصت های اقتصادی ایجاد شده توسط رشد فراگیر، باید منافع گروه های فقیر و گروه های اجتماعی محروم را تحت تأثیر قرار دهد، که این امر، منجر به توسعه اجتماعی بیشتری می شود و بخش های ضعیف جامعه را قادر می سازد تا به فرصت ها و دارایی های جامعه دسترسی پیدا کنند. این مسئله می تواند به تخصیص مناسب تر فرصت ها منجر شده و رشد اقتصادی پایداری را در جامعه ایجاد نماید و به دنبال آن، به کاهش نابرابری و فقر بیانجامد. این مفهوم از رشد، بر اشتغال مولد به عنوان وسیله ای برای افزایش درآمد به جای توزیع مستقیم درآمد، تأکید دارد. بنابراین، رشد فراگیر باید موجب ایجاد اشتغال مولد و همچنین مشارکت اجتماعی همه افراد جامعه با دسترسی برابر به فرصت ها شود. از این منظر، رشد فراگیر خود باعث توزیع بهتر درآمد می شود. رشد فراگیر مبتنی بر رویکرد توزیع مجدد درآمد نیست. یعنی توزیع عادلانه درآمد از همان ابتدا در فرایند رشد شکل می گیرد. فراگیر شدن رشد کلیدی برای انسجام اجتماعی و رشد اقتصادی پایدار است. رشد فراگیر، در همه بخش های اقتصادی باید اتفاق بیفتد. اشتغال مولد در بازار کار، فرصت های برابر را برای دسترسی به بازارها و رفع فقر فراهم می کند. فقر فقط هزینه ای برای افراد نیست، بلکه باعث کاهش منابع عمومی جامعه و نیز افزایش مشاغل با درآمد مناسب، منجر به کاهش هزینه های انتقالی دولت می شود و از سوی دیگر، درآمد مالیاتی دولت را بالا می برد. این دو باعث افزایش حجم سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می گردد.

با توجه به اهمیت موضوع رشد فراگیر و همچنین عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و انتظار افزایش همکاری های اقتصادی از جمله سرمایه گذاری خارجی بین اعضای این سازمان، در این پژوهش، به بررسی اثر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد فراگیر کشورهای عضو همکاری

شانگهای پرداخته شد. از آنجایی که رشد فراگیر دو بعد رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد را در بر می‌گیرد، جهت بررسی دقیق این موضوع، از تأثیر حد آستانه‌ای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر ضریب جینی در مدل نیز استفاده گردید.

نتایج تخمین مدل حد آستانه، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، عمق مالی و حاکمیت قانون، تأثیر معنادار و مثبتی بر رشد فراگیر دارند و نرخ ارز، تأثیر معناداری بر رشد فراگیر ندارد. متغیر ضریب جینی به دلیل تفاوت در علامت ضرایب برآورد شده در بالاتر و پایین‌تر از حد آستانه، اثرات متفاوتی بر رشد فراگیر دارند. در رژیم اول، در شرایطی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کمتر از حد آستانه می‌باشد، با ثبات سایر شرایط، ضریب جینی، سبب کاهش رشد فراگیر که مطابق با نظریه طرفداران دیدگاه وابستگی است و در شرایطی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بالاتر از حد آستانه می‌باشد، با ثبات سایر شرایط، ضریب جینی، سبب افزایش رشد فراگیر می‌شود که در واقع، مطابق با دیدگاه نوسازی می‌باشد.

در نهایت توصیه‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- براساس یافته‌های این پژوهش، حد آستانه‌ای برای متغیر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، برابر ۴/۸۷۵ میلیارد دلار می‌باشد که براساس آن، متغیر ضریب جینی در بالاتر و پایین‌تر از این حد آستانه، اثرات متفاوتی بر رشد فراگیر خواهد داشت و بنابراین، سیاستگذاران کشورهای عضو همکاری شانگهای، توجه داشته باشند که افزایش تولید ملی و رشد اقتصادی در این کشورها مطابق فرضیه کوزنتس، موجب ایجاد نابرابری در این مجموعه از کشورها شده است. پس به سیاستگذاران توصیه می‌شود، در کنار رشد اقتصادی، به "خصوصیات" رشد اقتصادی نیز توجه شود. برای مثال به بخش‌هایی که اقبال کم درآمد جامعه در آن بیشتر سهم هستند، نظیر بخش کشاورزی، اولویت بیشتری داده شود و به اقبال کم درآمد جامعه در رسیدن به این سطح از رشد، سهم بیشتری اختصاص دهند؛ چون تنها رشد اقتصادی تعیین کننده ماهیت فواید توزیعی آن نمی‌باشد.

- همان‌طور که از نتایج این پژوهش مشخص است، افزایش تورم، موجب کاهش شاخص رشد فراگیر در کشورهای عضو همکاری شانگهای شده است. بدین معنا که با افزایش در تورم، نابرابری نیز افزایش می‌یابد و لذا اجرای سیاست‌های پولی و مالی مناسب از جمله کاهش نقدینگی، کاهش نرخ سود سپرده بانکی و کاهش مخارج دولت، جهت کنترل تورم در کشورهای منتخب، توصیه می‌گردد.

- نتایج حاصل از برآورد الگو در این پژوهش، نشان داد که شاخص حکمرانی خوب دولت، اثر مثبتی بر رشد فراگیر در کشورهای عضو همکاری شانگهای دارد. بنابراین، هر اندازه ویژگی‌های مثبت شاخص‌های حکمرانی خوب، مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی، کارآیی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر، و از طرف دیگر فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی در کشورها کمتر باشد، پس امنیت اقتصادی و به دنبال آن رشد فراگیر بالاتر خواهد بود.

References

- Ahmad, S. (2022). SCO meeting on environmental protection issues. *The Diplomatic Insight*. <https://thediplomaticinsight.com/sco-meeting-on-environmental-protection-issues>.
- Ahmadzadeh, K., Fe'eqh, Majidi, A., & Zarouni, Z. (2017). The effect of FDI on income distribution in developing countries; With an emphasis on Iran. *Journal of Iran's Economic Essays (JIEE)*, 13(26), 151-180. [In Persian]
- Ali, I., & Son, H. H. (2007). Measuring inclusive growth. *Asian Development Review*, 24(1), 11.
- Alvarado, R., Iñiguez, M., & Ponce, P. (2017). Foreign direct investment and economic growth in Latin America. *Economic Analysis and Policy*, 56, 176-187.
- Anand, R., Mishra, M. S., & Peiris, M. S. J. (2013). Inclusive growth: Measurement and determinants. *IMF Working Paper*, International Monetary Fund.
- Asongu, S. A., & Nwachukwu, J. C. (2016). Foreign aid and governance in Africa. *International Review of Applied Economics*, 30(1), 69-88.
- Besley, T., & Cord, L. (2007). *Delivering on the Promise of Pro-Poor Growth: Insights and Lessons from Country Experiences*. World Bank Publications.
- Bhandari, B. (2004). Does foreign direct investment affect US income inequality?. *Forthcoming*, 21, 210-222.
- Gohari, L. (2020). Determining a framework for measuring inclusive growth. *Journal of Iranian Economic Issues*, 7(2), 307-339. [In Persian] doi: 10.30465/ce.2020.6290.
- Halmos, K. (2011). The effect of FDI, exports and GDP on income inequality in 15 Eastern European countries. *Acta Polytechnica Hungarica*, 8(1), 123-136.
- Hong, P. C., Park, Y. S., Hwang, D. W., & Sepehr, M. J. (2024). A growth theory perspective on the competitive landscape of shipbuilding: A comparative study of Japan, Korea, and China. *Maritime Economics & Logistics*, 26(3), 1-28.
- Hansen, B. E. (1999). Threshold effects in non-dynamic panels: Estimation, testing, and inference. *Journal of Econometrics*, 93(2), 345-368.
- Iran joins SCO. (2021, September 17). *Financial Tribune*. <https://financialtribune.com/articles/national/110317/iran-joins-sco>
- Kang, Hyojung, & Jorge Martinez-Vazquez. (2021). When does foreign direct investment lead to inclusive growth?. *The World Economy*, 8, 2394-2427.
- Mir Jalili, S.H., Mohseni, A., & Safari, O. (2017). Investigating factors affecting the inclusive growth of selected countries of the Organization of Islamic Cooperation. *Economic Growth and Development Research*, 8(32), 60-47. doi: 10.30473/egdr.2018.4606. [In Persian]
- Munir, M., & Fatim, A. (2020). Financing inclusive growth through FDI: Incorporating the role of institutional quality. *Global Economics Review*, 2(2020), 29-46.
- Ofori, I. K., & Asongu, S. A. (2021). ICT diffusion, foreign direct investment and inclusive growth in Sub-Saharan Africa. *Telematics and Informatics*, 65, 101718.

- Safarzadeh, E., & Mozaffaripour, N. (2022). The impact of good governance on inclusive growth in selected countries. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 9(1), 244-265. Doi: 10.22096/esp.2022.141516.1446. [In Persian]
- Sazvar, H., Nikooghadam, M., & Dashtban Farooji, M. (2020). the interaction of foreign trade and foreign direct investment on Iran's economic growth. *Journal of Iranian Economic Issues*, 6(2), 67-93.
- Seyed Nourani, S. M. R., & Satvati Pirayesh, H. (2020). The role of foreign direct investment in economic growth, relying on the theory of dependence and governance in selected countries. *Political Sociology of Iran*, 3(2), 187-214. doi: 10.30510/psi.2020.117702. [In Persian]
- Tayyebi S K, Azarbayegani K, Rafat B.(2009). Using Instrumental variable and Two-Stage Least Squares for Panel Data Models to Estimate the Interactions between Trade and FDI. *QJER* 2009; 8 (4) :77-94.
URL: <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-2650-fa.html>



Threshold and Asymmetric Effects of Foreign Direct Investment on Inclusive Growth in Shanghai Cooperation Member Countries

Sayedeh Marzieh Hosseini¹

Monireh Rafat²

Received: 2024/2/10

Accepted: 2024/3/28

Aim and Introduction

Inclusive growth strategy is a new concept in the field of growth and development in the economy, which is used by policymakers in a special way. In various political discourses, inclusive growth is a result of basic meanings such as large and fair growth, economic growth in alignment with the development of human growth, pro-poor, accessible and participatory growth, sustainable growth from an economic and environmental perspective, and many private concepts. On the other hand, foreign direct investment (FDI) can be considered as a means of financing countries, which is one of the best tools for economic development. Considering its contribution and long-term implication, it is a narrow approach to lemmatize the role of FDI in promoting economic growth only. The new developments in growth literature take poverty and inequality also in the account. Hence, the paper links FDI with a broader term, Inclusive Growth. Inclusive growth is a growth process that includes every segment of society. It creates and distributes opportunities in an equitable manner and utilizes a major part of the labour force. It also moves them out of poverty and enhances productive employment. The evidence from a long list of literature, consulted for this research suggest that the resulted effect of FDI on inclusive growth is highly defined by the host economy's own institutional quality.

Methodology

In literature, inclusive growth is defined as the maximization of the social opportunity function. As it undertakes the spectrum of efficiency and equity under one umbrella. The concept of social opportunity function itself was derived from the idea of generalized concentration curve introduced initially by (Ali & Son, 2007) in inclusive growth literature. This concept of generalized concentration curve was later used to form social opportunity index by calculating the area under the curve (Anand, Mishra, and Peiris, 2013).

Considering the fact that opportunity can take any forms such as health care, education or several other monetary and non-monetary opportunities. The study will use income as a determinant of opportunity. As it is the most common and

-
1. M.A in Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: marziehosseini@ase.ui.ac.ir
 2. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)
E-mail: m.rafat@ase.ui.ac.ir

widely used measure of determining individuals' access to certain other kinds of opportunities.

The aim of the present study is to analyze the effect of attracting foreign direct investment on inclusive growth in the Shanghai Cooperation members during the period of 2000-2022. Therefore, in order to calculate the inclusive growth index, to introduce the study model of this research and examine it the panel data method has been used. For estimating the model, threshold panel in Stata software has also been applied, to analyze the effect of foreign direct investment attraction on inclusive growth.

Results and Discussion

The results presented in this paper are fixed effect robust estimates, which automatically addresses any underlying existence of heteroscedasticity. Hausman specification test has been used to select between the two widely used panel estimation techniques, fixed and random effect estimation. Result for the overall sample of world economies shows a significant positive effect of FDI on inclusive growth and GDP. The estimation of the model was based on the fixed effects method in the stata software, and the results of the estimation of the model show that except for the exchange rate variable, the rest of the model variables have a significant effect on inclusive growth. The threshold limit for the foreign direct investment attraction variable is 4.875 billion dollars, based on which the Gini coefficient variable above and below this threshold limit will have different effects on inclusive growth. When the attraction of foreign direct investment is lower than this threshold, the Gini coefficient has a significant effect on the inclusive growth variable in the countries under study. In other words, with one unit increase in the Gini coefficient, it causes a decrease of 0.005 units in the inclusive growth index. This issue is in line with the view of dependency advocates.

The second key variable, institutional quality, has shown a significant effect on overall economic growth. The results show that a good and developed financial system may increase the available volume of financing investment. Supervision of investment projects that reduces the cost of obtaining information and increases productivity during projects and accelerates economic growth.

Conclusion

The purpose of the study was to investigate the proposition that, foreign direct investment can be used as a financing tool for growth inclusiveness. The study calculated and used the inclusive growth variable following the methodology of social welfare function which is also known as the social opportunity function.

The study reached to following conclusions:

Foreign direct investment can be used as a financing tool for inclusive growth. A deep underpinning of its impact on inclusive growth variable suggested that the impact of FDI on increasing the overall income is positive and significant. Yet it

does not significantly influence the distribution of the opportunities. Hence, FDI does not influence inclusive growth through equity channel but by increasing the average opportunities.

The results of the research show that the Gini Coefficient Index, which is considered as a threshold change above and below the foreign investment attraction threshold, has a different effect on the overall growth index. When Foreign Direct Investment is less than the threshold, with a unit increase in the Gini Coefficient, leads to a worsening of the equitable distribution of income. As a result the index of inclusive growth, is in line with the views of the dependency theory. If Foreign Direct Investment is above the threshold, with one unit increase in the Gini Coefficient, which leads to a worsening of the equitable distribution of income, the index of inclusive growth increases, will be in line with the theory of modernization.

Keywords: Foreign Direct Investment, Inclusive Growth, Gini Coefficient, Shanghai Cooperation Organization

JEL Classification: O43, D31, F23, F36, D63

